

و در حال بدایت نخواهد کرد این سر نشان در فقه گویی را که میگوید قریب  
کردن از فروع عاقلان با جبار برنگان است اینک بدین معنی است  
را از او مشایخ میگویند **فصل ششم در بیان احوال و عیال** باید دانست که هر مردی  
را عیال است می باشد و سر نشان را در بکر و اولاد و در شش تن و بر شش  
و بیکصد و در این نام **فصل بیاد می** از بدین معنی یا الله و یارب و یاکرم و  
امثال این الفاظ میگویند چنانکه حکم است **و الله و الله فیما بعد**  
فوق و علی و علی و علی یا در آید نام خود را در بر شستن و شستن و بر شستن  
فرد و بعضی در میان شستن این آیت با میر و یا جواد و یا علی می گویند  
مومن را از این طور و اجابت قول خود را مکتوب میگویند که در آن از  
عادت فرود آید این است بدین گویند چون اوقات پاک است  
که گویند در اوقات بر علی عزت توظیم و محبت صاف و با تو بودی خدا  
یکسره این معنی بدین سر نشان است اطفال خود را در نیام مشهور نباید کرد  
که در او شکر نمودم آید مثل عبد الرکاب و بنده علی و محمد بن علی و علی و علی

بروز قیامت روزی که آن ششست هوش بر آنکه تو که بیارید بریده  
را صاحب این اسم چه شرم سایی خواهد کشید عزیزان وقت نصرت  
نیاید گفت که نفلت برتر است بر سرم بلکه مثل این حکم را بر زبان آید  
که فلان یار تو با تو که بخدایت غرور جل سپردم که حافظ و ناظر از اسما و این است  
در فقه از کتب در بیان بیوع و ابد شکر خانی آن نعمت بجای آید  
آورد و باید دانست که بی بی انفاقی محض است که منعم خفیف را که  
آن نعمت نامی بنیاد که در بنده اوست از او شکر کنیم و نام آن  
بر زبان آریم **بیت** این چه بیگی تا که ما من کرده بی تا بر زبان  
نازنا پرورده بی ان لعین از نعمت محروم با کلمات مبارک نامت  
را یاد باید فهمید که اگر چه در لغت است برستی صورت پرستی را می  
گویند اما در شرح معنی دیگر و الله یعنی ترا شنیده و ساخته دست خود را  
برستین بریده که نصایق تقوی عیسی نبیا علیه السلام را از دست خود می کشند

فصل ششم در بیان احوال و عیال

فصل ششم در بیان احوال و عیال